



۱- چون که صد آمد نود هم پیش ماست.

پیام ها: برترین هدف تقرب و نزدیکی به خداست که در برگزیده هدف های دیگر است
یک چیز، جامع و در بردارنده چیزهای دیگر است،

۲- ای دوست سکر بهتر یا آنک سکر سازد خوبی قمر بهتر یا آنک قمر سازد

ای عقل تو به باشی دردانش و در پیشش یا آنک به هر لحظه صد عقل و نظر سازد

پیام ها: مقایسه مخلوقات خدا با خالق و برتری خالق بر آن ها- دعوت انسان برای انتخاب خدا به عنوان بهترین هدف، سرچشمه خوبی ها

۳- دوست نزدیکتر از من به من است وین عجبت که من از وی دورم

چه کنم با که توان گفت که او در کنار من و من مهجورم

پیام ها: گاهی غفلتها سبب دوری ما از او و فراموشی یاد او میشود، ولی باز که به خود باز میگردیم و این شعر را میگوییم.
سرشت خداشنا و گرایش به او

مصراع اول: غلت مصراع دوم: دوری از خدا مهجور: دور افتاده

۴- مثالی گویم ظاهر بیندیش کسی را هست جامی پر عسل پیش

پیام: نادیده نگرفتن خطر احتمالی به گفته یک کودک- پیروی از دستور عقلی و دفع خطر احتمالی - توصیه به جدی گرفتن خبر حتمی
و هوشیاری نسبت به خبر





۵- تادر طلب گوهر کانی، کانی

تادر هوس لعمه نانی، نانی

این نکته رمز اگر بدانی، دانی

هر چیز که در جستن آئی، آئی

پیام: سخن حضرت علی: ارزش هر انسانی به اندازه چیزی است که دوست میدارد. (چقدر می ارزیم)

منظور از رمز "شناخت آدمی" است که ناشناخته و مرموز برای بعضی هاست.

مصراع چهارم با درس هفت سال دهم ترکیب میشود: تجسم عمل: سخن پیامبر که هر کس در روز قیامت با محبوب خود محشور میشود.

مصراع چهارم با درس یازدهم سال یازدهم ترکیب میشود: شناخت ارزش خود و فروختن به بهای اندک از راه تقویت عزت نفس است.

۶- روزها فکر من این است و همه سب سختم که چرا غافل از احوال دل خویستم

از کجا آمده ام آمدنم بهر چه بود به کجای روم آخر نمای وطنم

پیام: درک آینده خویش از نیازهای برتر انسان

سوال هایی چون آینده او چگونه است؟ آیا زندگی او با مرگ تمام میشود یا دفتر حیات او به شکل دیگری گشوده میگردد؟ اگر حیات، به شکل دیگری ادامه مییابد و انسان زندگی ابدی را پس از مرگ آغاز خواهد کرد، نحوه سفر به جهان دیگر چیست؟ و خوشبختی وی زندگی او پس از مرگ چگونه است؟ زاد و توشه در آن سرا در گرو انجام چه کارهایی است؟

۷- مرد خردمند هنر پیشه را عمر دو مییاست در این روزگار

تا به یکی تجربه آموختن با دیگری تجربه بردن به کار

پیام: کشف راه درست زندگی از نیازهای برتر انسان

۸- یکی خط است ز اول تا به آخر بر او خلق جهان گشته مسافر

شده او پیش و دل ها جمله در پی گرفته دست جان ها دامن وی

پیام: آخرین پیامبر الهی، کاملترین و شایسته ترین برنامه را برای زمانها به مردم معرفی نمود و دیگر نیازی به آمدن پیامبر جدید نیست. هدایت تمامی انسانها، در همه زمان ها به مردم معرفی نمود.

۹- ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد دل رمیده ی مارا انیس و مونس شد نگار من که به مکتب نرفه و خط ننوشه

به غمزه مله آموز صدمدرس شد

پیام: خداوند معجزه جاوید خود را توسط پیامبری به دست مردم رساند که نزد هیچ کس درس نخوانده بود (امی).





۱۰- ذات نیافته از هستی بخش چون نتواند که بود هستی بخش

خشک ابری که بود ز آب تهی ناید از وی صفت آب دهی

پیام: پدیده ها، که وجودشان از خودشان نیست، برای موجود شدن نیازمند به پدیدآورنده‌های هستند که خودش پدیده نباشد.

۱۱- ما چونایم و نواد ما ز توست ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست
ما که باشیم ای تو ما را جان جان تا که ما باشیم با تو در میان

پیام: بیان زبان حال موجودات توسط مولوی، نیازمندی جهان و مخلوقات به خدا در بقا

۱۲- دلی کز معرفت نور و صفادید به هر چیزی که دید، اول خدا دید

پیام: خدا نور هستی است و در هر چیزی میتوان خدا را دید.

۱۳- به صحرا بنگرم صحرا تو بینم به دریا بنگرم دریا تو بینم

پیام: خدا نور هستی است و در هر چیزی میتوان خدا را دید.

۱۴- بر آستان جانان، گرسر توان نهادن گلبانگ سربلندی بر آسمان توان زد

سر ارادت ما و آستان حضرت دوست که هر چه بر سر ما می رود ارادت اوست

نظیر دوست ندیدم، اگر چه از مه و مهر نهادم آینهها در مقابل رخ دوست

پیام: بعد فردی توحید و ثمرات آن از ابعاد توحید عملی که با شرک عملی فرد رابطه مقابل دارد.

۱۵- یاسبان حرم دل شده ام شب همه شب او گذارم تا در این پرده جز اندیشه او نگذارم چون تو را در گذر، ای یار، نمی یارم دید با که گویم که بگویم سخنی با یارم

دوش میگفت که حافظ همه روی اسه و ریا به جز از خاک درش، با که بود بازارم





پیام: هدف از خلقت انسان تقرب به خداست که جز با سعی و تلاش خودانسان به دست نمی آید زندگی صحنه انتخاب یکی از این دو انسان، همواره بر سر دو راهی بندگی خداوند یا بندگی هوای نفس و شیطان قرار دارد و راه است.

۱۶- آفرینش همه تئیه خداوند دل است دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

این همه نقش عجب پردر دیوار وجود هر که فکر نکند نقش بود پردیوار

پیام: افزایش معرفت نسبت به خدا از راه های تقویت اخلاص

۱۷- مهر رخسار تو میتابد ز ذرات جهان هر دو عالم پر ز نور و دیده ناپینا چه سود

پیام: اگر کسی گرفتار غفلت شد و چشم اندیشه را به روی جهان بست، آیات الهی را نخواهد یافت و دل به مهر او نخواهد داد. افزایش معرفت نسبت به خدا از راه های تقویت اخلاص.

۱۸- بندگی کن تا که سلطانه کنند تن رها کن تا همه جان کنند همچو سلمان در مسلمان بکوش ای مسلمان تا که سلمانه کنند

پیام: دریافت پاداش های وصف ناشدنی از میوه های درخت اخلاص

۱۹- آن یکی بر رفعت بالی درخت میفشاند او میوه را دزدانه سخت

چوب حق و پیشه و پهلو، آن او من غلام و آله فرمان او

پیام: اختیار حقیقی وجدانی و مشهود

حتی کسی که اختیار را در سخن یا بحث انکار میکند، در عمل از آن بهره میبرد و آن را اثبات میکند.

۲۰- گرنودی اختیار این شرم چیست این دریغ و خجلت و آزرم چیست؟

وان پشیمانی که خوردی زان بدی ز اختیار خویش گشتی مهتدی

پیام: احساس رضایت یا پشیمانی به عنوان شواهدی از وجود اختیار

۲۱- ین که فردا این کنم یا آن کنم خود دلیل اختیار است ای صنم

پیام: تفکر و تصمیم شواهدی بر وجود اختیار

۲۲- هیچ گویی سنگ را فردا بیا ورنیایی من دهم بد را سزا؟

هیچ عاقل مرگلوخی را زند؟ هیچ با سنگی عتابی کس کند؟

پیام: مسوولیت پذیری به عنوان شواهدی برای وجود اختیار





۲۳- قطره‌های کزجویباری می‌رود از پی انجام کاری می‌رود

پیام: اعتقاد به خدایی حکیم به عنوان زمینه ساز شکوفایی اختیار فقط با زندگی در یک جهان قانونمند، که پشتوانه اش علم و قدرت خداست انسان امکان حرکت و فعالیت دارد.

۲۴- طمع زفیض کرامت میر که خلق کریم گنه بیخشد و بر عاشقان بیخشاید

مقیم حلقه ذکر است دل، بدان امید که حلقه ای ز سر زلف یار بگشاید

پیام: حیل شیطان که ابتدا انسان را با این وعده که گناه کن و بعد توبه کن به سوی گناه میکشاند و وقتی که او آلوده شد، از رحمت الهی مایوسش می‌سازد و میگوید آب که از سر گذشت چه یک وجب، چه صد وجب.

و عده توله با گناه کن بعد توبه کن و مایوس کردن از رحمت الهی

